



## درس آشنایی با مقدمات تفسیر استاد سید مجتبی نوره مفیدی

تاریخ: ۱۵ آبان ۱۳۹۱  
مصادف با: ۲۰ ذی الحجه ۱۴۳۳  
جلسه: ۹

موضوع کلی: تحریف در قرآن  
موضوع جزئی: ادله تحریف - روایات  
سال: سوم

### «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

عرض کردیم دلیل چهارم از ادله قائلین به تحریف، روایات است، این روایات چند طائفه‌اند که طائفه اول مورد بحث و بررسی قرار گرفت و مشخص شد که طائفه اولی دلالت بر تحریف در قرآن ندارند.

#### طائفه دوم:

روایاتی که بر ذکر نام امیرالمؤمنین (ع) و ائمه معصومین (ع) در برخی از آیات دلالت می‌کنند.

این روایات که متعدد است و در بعضی از جوامع روایی وارد شده دلالت می‌کند بر اینکه به صراحت نام امیرالمؤمنین (ع) در بعضی از آیات ذکر شده که اگر به استناد روایات این اسامی در قرآن مورد تصریح قرار گرفته و از طرفی قرآن فعلی خالی از این اسامی می‌باشد این نشان دهنده آن است که در قرآن تحریف واقع شده و آیاتی که متضمن نام امیرالمؤمنین (ع) و ائمه (ع) بوده حذف شده و هذا هو المطوب که در قرآن تحریف به تقیصه واقع شده است.

**روایت اول:** محمد بن الفضیل عن ابی الحسن (ع) قال: «ولاية علی بن ابيطالب مكتوب في جميع صحف الأنبياء و لن يبعث الله رسولاً الا بنبوة محمد (ص) و ولاية وصيه» عمده این است که در این روایت آمده ولایت علی (ع) مکتوب در همه صحف انبیاء می‌باشد که وقتی گفته می‌شود مکتوب در همه صحف انبیاء است معنایش این است که این امر در قرآن هم مکتوب است و اکنون که این مسئله در قرآن وجود ندارد معلوم می‌شود که قرآن فعلی تحریف شده است.

**روایت دوم:** علی بن ابراهیم عن احمد بن محمد البرقی عن ابيه عن محمد بن سنان عن عمار بن مروان عن منخل عن جابر عن ابی جعفر (ع) قال: «نزل جبرائیل بهذه الآية علی محمد (ص) هكذا و إن كنتم فی ريب مما نزلنا علی عبدنا فی علی فأتوا بسورة من مثله» یعنی اگر در آنچه که ما بر پیامبر (ص) در مورد علی نازل کردیم شک دارید یک سوره مثل آن بیاورید، بر طبق این روایت این آیه متضمن ذکر نام علی (ع) بوده ولی در قرآن فعلی نام حضرت وجود ندارد لذا این حدیث هم دلالت بر تحریف قرآن به تقیصه می‌کند.

**روایت سوم:** عن عبدالعظیم حسنی عن محمد بن الفضل عن ابی جعفر (ع) قال: «نزل جبرائیل بهذه الآية علی محمد (ص) هكذا فبدل الذين ظلموا آل محمد حقهم قولاً غير الذي قيل لهم فأنزلنا علی الذين ظلموا آل محمد (ص) حقهم رجلاً من السماء بما كانوا يفسقون» طبق این روایت این آیه هم که متضمن بیان ظلم به آل محمد (ص) است در قرآن فعلی وجود ندارد پس معلوم می‌شود که تحریف به تقیصه در قرآن فعلی واقع شده است.

**روایت چهارم:** عن ابی یحیی عن اصبع بن نباته قال سمعتُ امیرالمؤمنین(ع) یقول: «نزل القرآن اثلاثاً ثلثُ فینا و فی عدونا و ثلثُ سننٌ و امثالٌ و ثلثُ فرائضٌ و احکام» قرآن بر سه قسمت نازل شده؛ یک سوم قرآن درباره ما و دشمنان ماست، یک سوم هم درباره آداب و سنن و امثال و قصص و ضرب المثلها است و یک سوم هم درباره فرائض و احکام است. در روایت می‌فرماید: ثلثی از قرآن درباره ما و دشمنان ما نازل شده در حالی که در قرآن فعلی نه درباره اهل بیت(ع) و نه درباره دشمنان آنها آیه‌ای وجود ندارد لذا معلوم می‌شود که در قرآن فعلی تحریف به تقیصه واقع شده است.

**روایت پنجم:** عن ابی بصیر عن ابی جعفر(ع) قال: «نزل القرآن اربعة ارباع، ربعٌ فینا و ربعٌ فی عدوتنا و ربعٌ سننٌ و امثالٌ و ربعٌ فرائضٌ و احکام» قرآن بر چهار قسمت نازل شده؛ یک چهارم درباره ما، یک چهارم درباره دشمنان ما، یک چهارم درباره سنن و امثال و یک چهارم هم درباره فرائض و احکام نازل شده است که این روایت هم دلالت بر وقوع تحریف به تقیصه در قرآن می‌کند.

پس به استناد این روایات می‌توان ادعا کرد که بخشی از قرآن که درباره علی(ع) و ائمه معصومین(ع) بوده حذف شده و اکنون در قرآن فعلی وجود ندارد و این تحریف به تقیصه در قرآن را ثابت می‌کند.

#### **بررسی طائفه دوم روایات:**

مجموعاً چهار اشکال به این طائفه از روایات وارد است.

**اشکال اول:** مشکل سندی بعضی از روایات ذکر شده است که بعضی از آنها سنداً قابل قبول نیستند.

**اشکال دوم:** این که بعضی از روایات اساساً بر این که نام علی(ع) به صراحت در قرآن ذکر شده دلالت ندارد مخصوصاً روایت اول که می‌گوید: ولایت علی بن ابیطالب(ع) در همه صحف انبیاء مکتوب است، منظور از این روایت این نیست که نام امیرالمؤمنین(ع) به صراحت در قرآن ذکر شده است مثلاً فرض کنید اگر حادثه غدیر در قرآن ذکر شده می‌توان گفت ولایت علی(ع) در قرآن مکتوب است چون سخن این نیست که نام حضرت به صراحت در قرآن ذکر شده باشد بلکه منظور این است که مسئله ولایت در قرآن آمده باشد و لازم نیست که نام آنها به صراحت ذکر شده باشد پس قول به ذکر ولایت علی(ع) در قرآن هیچ ملازمه‌ای با وقوع تحریف در قرآن ندارد چون حادثه غدیر هم که در قرآن ذکر شده اشاره به مسئله ولایت دارد در حالی که هیچ نامی از حضرت هم برده نشده است. اگر هم آیاتی درباره فضائل امیرالمؤمنین(ع) و اهل بیت(ع) وارد شده عناوینی ذکر شده که علی(ع) و ائمه(ع) اظهر مصادیق آن عناوین‌اند. مدعا این بود که روایات دلالت می‌کند بر ذکر صریح اسمی ائمه(ع) و علی(ع) ولی ما می‌گوییم علی(ع) و ائمه(ع) در قرآن ذکر شده‌اند ولی نه به این نحو که صراحةً نام آنها ذکر شده باشد بلکه به ذکر فضائل و مناقبی که بر آنها منطبق می‌شود چون آنها افضل افراد و مصادیق برای این عناوین‌اند. پس روایاتی از قبیل روایت اول صحیح است ولی منظور آن نیست که مستدل ادعا می‌کند. یا مثلاً در روایت چهارم و پنجم که می‌فرماید: یک سوم قرآن درباره ما و دشمنان ماست و یا یک چهارم قرآن درباره ماست منظور این نیست که در یک سوم یا یک چهارم قرآن به صراحت نام علی(ع) و ائمه معصومین ذکر شده باشد بلکه منظور این

است که یک چهارم یا یک سوم قرآن درباره فضائل و مناقب کسانی است که اظهر مصادیق آن علی(ع) و اهل بیت(ع) می‌باشند؛ مثلاً اینکه خداوند در قرآن می‌فرماید: «قد افلح المؤمنون الذین هم فی صلاتهم خاشعون» درباره اهل بیت(ع) می‌باشد چون اظهر مصادیق مؤمنین و الذین هم فی صلاتهم خاشعون اهل بیت(ع) می‌باشند. پس در روایت چهارم و پنجم که می‌فرماید: یک سوم یا یک چهارم قرآن درباره ما نازل شده عبارت نزل فیها به این معنی نیست که تنزیل به عنوان قرآنیت و آیات در خصوص اینها باشد بلکه بحث این است که این آیات فضائل و مناقبی را ذکر کرده که بر علی(ع) و اهل بیت(ع) منطبق می‌شوند. این مطلب نظیر هم دارد مثلاً در مورد مصحف علی(ع) گفته شد این مصحف مشتمل بر جمیع آن چیزی است که نازل شده در حالی که بسیاری از مطالبی که در این مصحف وارد شده شرح و تفسیر و تأویل آیات است که از خود حضرت صادر شده و این گونه نیست که همه آنها از جانب خداوند متعال نازل شده باشد، پس اگر شرح و تفسیر آیات هم در نظر گرفته شود به یک معنی می‌توان گفت تنزیل من رب العالمین است ولی نه به این عنوان که قرآن باشد، آیه نازل شده ولی شرح و تفسیر و انطباق آن به وسیله علی(ع) و سایر ائمه(ع) صورت می‌گیرد. پس اشکال دوم این شد که لازم نیست که نام علی(ع) و اهل بیت(ع) به صراحت در قرآن ذکر شده باشد و این روایات بر ذکر صریح نام ائمه(ع) در قرآن نمی‌کند بلکه در واقع بر ذکر فضائلی دلالت دارد که منطبق بر علی(ع) و سایر ائمه معصومین(ع) می‌باشد.

«والحمد لله رب العالمین»